



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

ابعاد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج در فقه اسلام

محمد مسعودی نیا^{۱*}، یعقوب علیزاده^۲

۱. استادیار، عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ایران.

۲. استادیار، عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قواعد فقهی در اسلام همواره در ارتباط با حوزه‌های عملی زندگی انسانی قرار دارند. از این جهت، قاعده فقهی نفی عسر و حرج نیز یکی از قواعد مهم فقهی است که پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی ابعاد اقتصادی آن بپردازد.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر از نوع نظری، روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اسناد و مدارک به شیوه فیش‌برداری انجام شده است.

یافته‌ها: نفی عسر و حرج در بُعد اقتصادی به دنبال آن است که هم سهل-گیری و آسانی را در زندگی اقتصادی مسلمانان ترویج نماید و شرایط برای سهولت بخشی به زندگی فراهم سازد و هم اینکه موانع و چالش‌های پیشروی زندگی اقتصادی را از میان بردارد. از این جهت، بُعد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج ناظر بر برداشتن موانع اقتصادی از جمله: احتکار، اختلاس، فساد، رانت و نابرابری‌های اقتصادی است.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش حاضر بر مبنای اصول اخلاقی در ارائه مطالب، گردآوری علمی و اخلاقی از مقالات، کتب و اسناد و عدم جانبداری در بیان دیدگاه‌ها انجام شده است.

نتیجه‌گیری: کاربرست قاعده فقهی نفی عسر و حرج تنظیم سیاست‌های مبارزه با فساد است. بدین معنا افرادی که از طریق اختلاس، احتکار، کسب مال از طریق نامشروع، دزدی، تکاثر ثروت از طریق رانت، ربا و... باعث بروز دشواری در زندگی افراد می‌شوند، مشمول مجازات قضایی گردند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۰-۱۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

اقتصاد، نفی عسر و حرج، فقه

اقتصادی، جامعه اسلامی

نویسنده مسوول:

محمد مسعودی نیا

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۴۱۱۴۷۲۶۶

کد ارکید:

0000-0002-0225-9409

پست الکترونیک:

masoudinia@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

قواعد فقهی اسلام همواره ناظر به عمل و سامان بخشیدن به زندگی انسانی و اجتماعی هستند. از آنجایی که دین اسلام، دینی سیاسی و اجتماعی است، احکام و قواعد آن نیز ناظر بر عمل و سامان دادن به زندگی روزمره نیز هستند. در این میان رسیدگی به مسائل زندگی اقتصادی و راهکارهای بهبود آن بخش مهمی از قواعد فقهی در اسلام را تشکیل می‌دهند. اقتصاد در اسلام نه یک هدف، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بشر است و در غیر این صورت نمی‌تواند به تنهایی، انسان را به سر منزل مقصود برساند. بر همین اساس، آنچه در زندگی اقتصادی و ارائه راهکار برای اقتصاد اسلامی در نظر گرفته می‌شود، معطوف به سازگاری یا ناسازگاری آن با احکام و قواعد فقهی است. از میان قواعد فقهی، آنچه بر سامان بخشیدن به حل مشکلات، عدم سختگیری، رفع موانع و چالش‌ها و همچنین زمینه‌سازی برای جلوگیری از مشکلات و چالش‌ها توجه نشان می‌دهد، قاعده فقهی نفی عسر و حرج است.

با توجه به آنکه در آموزه‌های اسلام بر رعایت دقیق و صحیح احکام و دستورات دینی و حتی عمل بر مبنای آنان توصیه شده است، اما نحوه تنظیم و انجام این احکام و قواعد به گونه‌ای است که هرگونه سختی و دشواری را برای انسان‌ها نمی‌پذیرد. به عبارتی دیگر، احکام و قواعد دینی به گونه‌ای نیست که یک فرد ناتوان را ملزم به خواندن نماز به همان صورتی که افراد عادی می‌خوانند، بکند. همین رویکرد در زمینه‌های دیگری از جمله انجام عمل

جهاد، انجام فرایض دینی، بر عهده گرفتن مسئولیت و تکالیف در زندگی خانوادگی و انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز وجود دارد. عمل بر مبنای این توصیه‌ها، رویه‌ها و اعمال در اسلام، همانند سایر اعمال و رفتارهایی که مسلمانان با توجه به احکام و دستورات دینی انجام می‌دهند، قابل پذیرش است و شرایط خاص افراد هم از حیث توانایی‌های فردی و هم از حیث نیاز به انجام آن عمل در زمان خاص مورد توجه است.

با عنایت به تشریح قاعده فقهی نفی عسر و حرج و توجه به این نکته که در دین اسلام، وضع احکام به گونه‌ای نیست که مسلمانان را به انجام تکالیف سخت و دشوار مجبور کند، پژوهش حاضر به بررسی ابعاد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج می‌پردازد. بنابراین در بررسی ابعاد اقتصادی قواعد فقهی، رویکرد تفسیری و گسترده‌ای درباره بایدها و نبایدهای ناشی از یک قاعده فقهی مدنظر است و این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که قاعده فقهی نفی عسر و حرج چه آثار و پیامدهای اقتصادی دارد و در صورت پرداختن به آن، رویکردهای نظام اسلامی در قبال وضعیت اقتصادی به چه صورت باید باشد. ضمن اینکه در حیطه قضایی نیز به راهکارهایی برای سامان دادن به زندگی برابر میان انسان‌ها توجه نشان داده می‌شود و این رویه به صورت یک چتر فراگیر، اقتصاد اسلامی، موانع و چالش‌های پیش روی آن را مطرح نظر قرار می‌دهد. هدف از انجام پژوهش حاضر نیز بررسی ابعاد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج است که در فقه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر بر مبنای اصول اخلاقی در ارائه مطالب، گردآوری علمی و اخلاقی از مقالات، کتب و اسناد و عدم جانب‌داری در بیان دیدگاه‌ها انجام شده است.

۳. مواد و روش‌ها

برای بررسی موضوع حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردید که مطالب موردنظر پژوهش نیز از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

هرچند که قاعده فقهی نفی عسر و حرج معطوف به سهل‌گیری بر مسلمانان و عدم تحمیل تکالیف و وظایف دشواری برای آنان است. اما آنچه از این قاعده فقهی استنباط می‌شود، سامان بخشیدن به زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه و دوری جستن از شرایط نامطلوبی است که می‌تواند مشکلات و دشواری اقتصادی و اجتماعی برای افراد پدید آورد. در این صورت، رفع موانع و مشکلات و همچنین ارائه راه‌حل برای آنکه بتواند زندگی را برای افراد جامعه آسان نماید، بخش مهمی از کارکرد قاعده فقهی نفی عسر و حرج است. نفی عسر و حرج به رفع نابرابری‌ها و دشواری‌هایی که حتی از سوی حکومت در عرصه زندگی اقتصادی افراد صورت می‌گیرد، توجه نشان می‌دهد و به دنبال برقراری عدالت در جامعه اسلامی نیز بر می‌آید. مهم‌تر اینکه، تکالیف اقتصادی برای افراد

نباید به شکلی باشد که باعث نادیده گرفتن سایر ابعاد زندگی وی باشد. کار و تلاش مطلوب و پسندیده است، اما تبدیل شدن آن به عنوان یک هدف نهایی نمی‌تواند از منظر قاعده فقهی نفی عسر و حرج قابل پذیرش باشد. ضمن اینکه نمی‌توان هر گونه وظیفه و تکلیفی را برای هر انسانی وضع نمود که به اقتصاد و بهبود وضع اقتصادی کمک نماید. همچنین قاعده فقهی نفی عسر و حرج ناظر بر شرایط نابرابر و مفاسد اقتصادی از جمله اختلاس، احتکار، دزدی، رانت جویی و رانت خواری، کسب مال نامشروع نظیر ربا و... نیز می‌باشد. زیرا وجود چنین رویه‌های مذمومی در عرصه ثروت اندوزی به معنای تحمیل شرایط دشوار بر سایر اقشار جامعه است. از این‌جه قاعده فقهی نفی عسر و حرج در تعارض با ظلم و بی‌عدالتی اقتصادی معنا می‌شود.

۵. بحث

۵-۱. قاعده نفی عسر و حرج در فقه اسلامی

قاعده نفی عسر و حرج که بر مبنای آیات قرآن کریم بنا شده است برگرفته از آیه شریفه: (ما جعل علیکم فی الدین من حرج) (حج/۷۸)، است که از جمله قواعد فقهی عام در احکام اسلامی است که در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه مسائل اقتصادی نیز کاربرد دارد. مطالب مربوط به این قاعده در حیطه مسائل اقتصادی نیز تحت تأثیر شرایط خاص جامعه اسلامی کاربرد دارد (ایروانی، ۱۳۹۳، ۶۴). مفهوم عسر و حرج در فقه و حقوق اسلامی به معنای سختی و دشواری معنا شده است.

با توجه به اینکه پی بردن به معانی کلمات و اصطلاحات با توجه به تضاد آنها نمایان می‌شود، بررسی مفهوم عسر و حرج نیز نیازمند توجه به کلمات متضاد آن است. به طور دقیق‌تر باید گفت واژه «عسر» در لغت نقطه مقابل «یسر» به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۳۲۶). معنای آن نیز در نزد اسلام‌شناسان پیشین به معنای تنگنا، شدت و دشواری آمده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۲۳۵). با توجه به اینکه عسر و حرج از دو اصطلاح تشکیل شده است، «حرج» نیز در اصل به معنای جمع شدن، و ضیق و تنگی ناشی از آن -همچون محل پردرخت- آمده و سپس به مناسبت به معنی تنگنا و گناه به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵۱). بنابراین امروزه با توجه به معنای عسر و حرج، از آن به عنوان قاعده فقهی یاد شده است که در عامل واقع نیز به معنای عدم سخت گرفتن و قرار نگرفتن تکالیف دشوار برای افراد است.

مستند قاعده نیز برگرفته از آیات و روایات است که در واقع همگی بر این مطلب صحه می‌گذارند که خداوند، تکالیف دشوار و سختی را برای افراد در نظر نمی‌گیرد. در همین راستا، برای اثبات قاعده به آیات اشاره می‌شود. از جمله در آیات زیر که خداوند متعال می‌فرماید: (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ) (حج ۲۲)، آیه ۷۸: و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید. اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است). این آیه از مهم‌ترین ادله اثبات قاعده است، بدین معنا که خداوند بر مؤمنان سختی و دشواری

قرار نمی‌دهد. مورد دیگری که برای توجیه قاعده عسر و حرج قابل استناد است، قاعده اتلاف است که بر مبنای آن، هرکس باعث اتلاف مال دیگری شود، ضامن آن است. بر مبنای قاعده اتلاف چنین بیان شده است: «وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/۱۹۵).

مفاد کلی قاعده نفی عسر و حرج، سهل‌گیری در دین اسلام است. هم از حیث تکالیف و وظایفی که برای مسلمانان در نظر می‌گیرد و هم از حیث تعامل و رفتار انسان‌ها با یکدیگر، اصل بر آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری نسبت به بندگان است. به عبارت دیگر، بر مبنای آموزه‌های دین اسلام، هرگونه حرجی در دین اسلام از روی دوش مسلمانان برداشته شده و نمی‌توان تکالیف دشواری را برای افراد وضع نمود. این رویکرد در دیدگاه علامه طباطبایی نیز بدین صورت مطرح شده است که عسر و حرج، خواه حرج در اصل حکم باشد یا حرجی که به طور اتفاقی بر آن عارض گردد؛ چرا که شریعت اسلام، سهل و آسان است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۴۱۲). در چندین روایت نیز که برخی از آن‌ها در ادامه خواهد آمد، برای نفی تکالیف حرجی به این آیه استناد شده است. همچنین، در روایتی بر تعمیم نفی حرج در آیه نسبت به عبادات و امور خیر تأکید گردیده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۷). استناد به آیه دیگری از قرآن کریم نیز نشان‌دهنده اهمیت نفی عسر و حرج در مناسبات فردی و اجتماعی است. جایی که بیان می‌شود: (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ

جُنُباً فَاطْهَرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا ... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده/۶)، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید و اگر جُنُباید خود را پاک کنید [غسل نمایید] و اگر بیمار بودید،... و آبی نیافتید پس تیمم کنید،... خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید؛ بر اساس این آیه، خداوند نمی‌خواهد حکمی را که موجب سختی و حرج باشد، جعل و تشریع نماید، خواه اصل حکم حرجی باشد یا برخی از مصادیق آن به صورت اتفاقی. حرف «من» نیز بیانگر این نفی کلی است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۲۳). این آیه به گونه‌ای دیگر نیز به کار رفته است و بر مبنای آن استدلال شده است که تشریع تیمم به جای وضو و غسل به هنگام دشواری استعمال یا فقدان آب، و تسهیل در کیفیت تیمم، به این سبب است که خداوند در دین حرجی قرار نداده و این دستورات صرفاً با هدف تطهیر صادر شده است (اردبیلی، ۱۴۰۵، ۲۱).

با این حال، در دلالت آیه بر مقصود، اشکال شده است؛ چه اینکه عبارت «و لکن لیطهرکم...» پس از نفی حرج نشان می‌دهد مقصود از حرج در اینجا مطلق مشقت نیست، بلکه مشقت خالی از فایده و مصلحت مورد توجه قرار گرفته است. بدین معنا که خداوند متعال با وضع این قواعد و دستورات، بندگان خود را بدون دلیل به مشقت و تنگنایی

نینداخته است. بلکه دلیل وضع چنین قواعدی نیز آن است که انسان‌ها را پاک و پاکیزه نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۶۴). به عبارت دیگر، نفی حرج به تشریع تمامی موارد یادشده در آیه یعنی وضو، غسل و تیمم مربوط می‌شود نه به خصوص تیمم (طوسی، ۱۳۶۵، ۴۵۸). بنابراین، آیه دلالتی بر نفی تکالیف حرجی به طور مطلق ندارد، اما با این حال، شواهد موجود در آیه، برداشت اول را تقویت می‌کند.

در آیه دیگری نیز برای اثبات و تفسیر قاعده فقهی نفی عسر و حرج نیز چنین مطرح شده است: (وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)، (بقره/۱۸۵) و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن]، تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد. ظاهر آیه شریفه آن است که جمله «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» پس از نفی وجوب روزه از بیماران و مسافران، علت برای این حکم است (اردبیلی، ۱۴۰۵، ۱۵۹). و همانند سایر علت‌ها، برای دیگر موارد حرجی شایسته استدلال خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۶۵-۱۶۴).

یا اینکه قرآن کریم در آیه دیگری برای استناد به اثبات قاعده نفی عسر و حرج چنین فرموده است: (رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا) (بقره/۲۸۶)، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. مفسران مطرح

قرآن و اسلام شناسان با مذاقه در آیه شریفه به این نتیجه رسیدند که واژه «اصر» که در آیه ۲۸۶ سوره بقره بیان شده است در لغت به معنای بستن و گره زدن دو چیز به یکدیگر است و سپس به مناسبت همین معنا، به معانی سنگینی، ضیق، حبس و عهد نیز به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۴۸-۱۴۷). در تفسیر این بخش از آیه دو دیدگاه وجود دارد: نخست اینکه «اصر» به معنای عهد و پیمان آمده است؛ بدین معنا که عهدي بر ما قرار نده که از عهده انجام آن عاجز بمانیم. دوم این که «اصر» معنای سنگینی را به ذهن متبادر می‌سازد و مؤمنان از خداوند می‌خواهند که آنان را از انجام تکالیف سنگین، که در پاره‌ای از مواقع موجب تخلف از اطاعت پروردگار می‌گردد، باز دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۲۲). توجه به سیاق آیه و همچنین معنای لغوی «اصر»، تفسیر دوم یعنی سنگینی تکالیف را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۴۴۵). بنابراین انجام تکالیف دشوار برای مسلمانان در نظر گرفته نشده و مسلمانان نیز چنین خواسته‌ای از خداوند متعال دارند. این رویکرد البته به معنای تن‌آسایی و شانه خالی کردن از تلاش و کوشش نیست، بلکه به معنای اهمیت به توانایی‌های افراد و عدم تحمیل یک مسئولیت دشوار و دست نیافتنی به افراد است. از آنجا که آیه در مقام امتنان بر امت اسلامی در مقایسه با سایر امم است، درخواست یادشده به معنای اجابت و تأیید آن است. به علاوه، در روایات نیز برای رفع مسئولیت ناشی از نسیان و خطا و تکالیف خارج از حدّ توان به این آیه استشهاد شده است (کلینی، ۱۳۶۹،

۴۶۳). در نتیجه، این آیه نیز بیانگر تشریع نشدن تکالیف سخت و سنگین در اسلام است. در نهایت اینکه در آیه دیگری چنین فرموده است: «لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ». در این آیه به خوبی مصادیق قاعده نفی عسر و حرج و برداشته شدن تکلیف از روی دوش افراد ناتوان بیان شده است. بدین معنا که قاعده نفی عسر و حرج به طور مشخص، بر نفی واگذاری امور دشوار به افرادی است که از توانایی کافی برای انجام آن برخوردار نیستند. بر اساس این آیه، سه گروه از مردم از شرکت در جهاد معاف شده‌اند: ضعیف آنکه به دلیل کهولت سن، بیماری، نابینایی، زمین‌گیری و ضعف جسمانی از شرکت در جهاد ناتوان بیماران و تهیدستانی که هزینه سفر برای جنگ و تهیه تجهیزات را ندارند. موارد یادشده، مصادیقی از قاعده نفی عسر و حرج و احکام ناشی از آن به شمار می‌آیند (کلینی، ۱۳۶۹، ۳۳). به هر صورت، قاعده فقهی نفی عسر و حرج همانند سایر قواعد فقهی دارای آثار و پیامدهای اقتصادی است که به بررسی ابعاد اقتصادی آن پرداخته می‌شود.

۵-۲. ابعاد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج

بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، هرگونه تنگنایی در مسائل فردی و روابط اجتماعی در همه عرصه‌ها و از جمله عرصه اقتصادی رفع‌شدنی است؛ برای نمونه، در صورتی که پرداخت بدهی موجب عسر و حرج بر بدهکار گردد، وجوب آن منتفی می‌شود و طلبکار نیز نباید از وی مطالبه نماید یا بر او سخت

گیرد. دلیل این مطلب، که خود از مصادیق قاعده نفی عسر و حرج است، تصریح قرآن کریم، (وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ) (بقره/۲۸۰)، و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا گشایش، مهلتی به او دهید؛ روایات متعدد (کلینی، ۱۴۰۷، ۹). و اتفاق نظر فقهاء است (نجفی، ۱۳۶۹، ۳۵۴). همچنین، وجوب مهلت دادن موجر به مستأجر در صورت عسر و حرجی بودن تخلیه برای مستأجر و معارض نبودن آن با عسر و حرج موجر، از دیگر مصادیق قاعده است.

اما در سطوح کلان، بُعد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج به معنای رفع مشکلات اقتصادی و جلوگیری از به تنگنا افتادن مسلمانان در رتق و فتق امور روزانه است. در این زمینه نیز اصل بر رفع مشکلات و دشواری‌های اقتصادی و حتی مقابله با افرادی است که به انحاء مختلف باعث بروز نابرابری و ظلم در جامعه می‌شوند.

مسئله احتکار از جمله مسائلی است که خود موجب ایجاد اختلال در نظام اقتصادی شده و مشکلاتی را برای دولت ایجاد می‌نماید. مبارزه با احتکار به عنوان یکی از مفاسدی که جامعه را از نظر اقتصادی تهدید می‌کند و موجب نوسانات پیش‌بینی‌نشده‌ای در بازار از نظر فراوانی کالا و کمبود آن و قیمت می‌گردد، و انسان‌ها جهت تهیه مایحتاج خود به عسر و حرج و می‌دارد و اختلال در نظام اقتصادی بوجود آورده و ناراحتی‌های روحی و روانی شدید بر افراد عارض می‌نماید و نهایتاً باعث دارا شدن به ناحق محترکین می‌شود، از دیرباز مدنظر حکومت اسلامی بوده و سیاست جنایی

اسلام با پدیده احتکار به عنوان یک بزه اقتصادی مانند همه بزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی دیگر بر پایه پیشگیری بوده و سعی بر آن بوده که قبل از وقوع فساد، فرد فاسد را از ارتکاب فساد بازدارد و چنانچه اقدامات پیشگیرانه نسبت به افرادی که قصد ارتکاب بزه را دارند موثر واقع نشود جهت مقابله با بزهکار، اعمال مجازات مناسب و تنبیه بزهکار و رفع خطری که از ناحیه وی متوجه افراد جامعه است و جبران میزان خسارات وارده به عنوان حربه نهایی مبارزه با فساد در رأس سیاست جنایی قرار دارد. در واقع قانون‌گذار بر اساس سیاست‌های پیشگیرانه در زمینه موارد مورد استفاده در زمینه‌های مرتبط با احتکار عنوان نموده است و بنابراین چنانچه توصیه‌های اخلاقی برای جلوگیری از احتکار موثر واقع نشود، شخص یا اشخاصی که اقدام به احتکار نمایند، باید جامعه و اکانش لازم مانند واکنش به همه بزهکاری‌های دیگر را نشان دهد و فرد خاطی را که با انجام اعمال مجرمانه موجبات ضرر به جامعه و اختلال در نظام اقتصادی را فراهم کرده است کیفر نماید (منصورآبادی، ۱۳۹۳، ۵۶).

بُعد اقتصادی دیگری که می‌تواند ناشی از قاعده نفی عسر و حرج تلقی شود، توجه به جرایم و تخلفاتی است که در حوزه اقتصادی رخ می‌دهد و به نوبه خود باعث نابرابری و بی‌عدالتی در جامعه می‌شوند. به طور کلی، جرائم اقتصادی به آن دسته از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌گردد و با خارج ساختن

امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، منجر به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی که به واسطه بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوءاستفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض‌آمیز می‌باشد (کوشا، ۱۳۸۶، ۲۳). در این صورت، قاعده فقهی نفی عسر و حرج با درک این نابرابری‌ها و شرایطی که باعث بروز آن می‌شوند، مانع از تکاثر ثروت و نابرابری میان افراد جامعه می‌شوند. کاربردی که از نفی عسر و حرج استنباط می‌شود، شناسایی این جرایم، درک شرایط فساد و بیان مصادیق آن برای نهادهای قضایی است که بتواند تحصیل مال از طرق نامشروع و همچنین زمینه‌های نابرابر میان افراد را از بین ببرد.

در اینجا، نفی عسر و حرج با رسیدگی به جرایم و تخلفات و فراهم نمودن شرایط برابر برای افراد نمود پیدا می‌کند. جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند (ساکي، ۱۳۸۹، ۲۵). جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوءاقتصادی داشته باشد. بدین معنا که عدم مقابله با چنین جرایمی و همچنین آثار اجتماعی ناسالمی که ناشی از این شرایط است، بر زندگی فردی و اجتماعی اثر گذاشته و باعث بروز

دشواری و ناملایمات در زندگی می‌گردد. از انجایی که قاعده نفی عسر و حرج بر سهل و آسان‌گیری و رفع دشواری‌ها بنا شده است، تخلفات و جرایم را مورد توجه خاص قرار می‌دهد.

اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اخلاص در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود، بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (ایمانی، ۱۳۸۲، ۱۵۱). به همین دلیل و با توجه به اینکه، اقتصاد، یکی از وسایل در دسترس بشر برای رسیدن به سعادت و خوشبختی محسوب می‌شود، رفع موانع و چالش‌های پیشروی شکوفایی اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است.

عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارند که باعث بروز دشواری و تنگنا برای مسلمانان می‌گردند. از جمله این موانع و دشواری‌ها، فساد اقتصادی در ابعاد مختلف آن از جمله رانت، احتکار، اختلاس، دزدی، غارت اموال، کسب مال از طرق نامشروع و... است. به طور مثال، فساد در حیطه اقتصاد به معنای آن است که فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می‌یابند (لانگست، ۱۳۸۷، ۲۶). بنابراین ممانعت از نابرابری

رانت‌هاست که انگیزه کارآفرینی، تولید واقعی و ارج گذاشتن به خلاقیت در جامعه را از بین می‌برد؛ و حتی افراد با استعداد نیز برای این که از این قافله عقب نمانند، استعدادهایشان را به جای کمک به تولید در خدمت رانت قرار می‌دهند. در نتیجه با گذشت زمان، رانت به نوعی فرهنگ تبدیل می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

کاربست قاعده فقهی نفی عسر و حرج در عرصه اقتصاد نیازمند رجوع به فقه اقتصادی است. بدین معنا که نفی عسر و حرج باعث گرایش به سمت آسان‌گیری در حل مسائل و مشکلات اقتصادی و برداشتن موانع در زندگی فردی و اجتماعی قابل بیان است. از این جهت برداشتن موانع در زمینه معاملات اقتصادی، مبارزه با عواملی که عدالت اقتصادی را خدشه‌دار می‌سازند و همچنین عدم شفافیت در تعهدات اقتصادی افرادی که به انحاء مختلف وارد معامله اقتصادی می‌شوند، بخش مهمی از کاربرست قاعده فقهی نفی عسر و حرج است. قاچاق کالا و ارز، اختلاس، دزدی، رانت و رشوه خواری نیز به طور مشخص چالش‌هایی برای زندگی اقتصادی افراد و عاملی برای سخت‌تر شدن زندگی برای سایر افراد جامعه می‌گردد. ضمن اینکه دسترسی اقلیت جامعه به منابع رانتی و مزایای اقتصادی باعث ایجاد نابرابری در جامعه شده که خود مصداق سختی در زندگی واقعی و همچنین دشواری فکری برای سایر افراد جامعه می‌شوند. به طور مصداقی باید بیان کرد که هنگامی که افراد جامعه حتی برای رسیدن به مزایای اقتصادی از

و عوامل فسادزا عامل مهمی در سالم‌سازی اقتصاد دارد. در این صورت، اقتصاد سالم، اقتصادی است که زندگی افراد را در تنگنا قرار نداده و شرایط مساعدی برای زیست اخلاقی مطلوب برای آنان فراهم آورد.

یکی از ابعاد مشخص فساد اقتصادی، رانت‌خواری و رانت‌جویی در اقتصاد است که خود از جمله مصادیق دشواری و تنگنایی در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. توضیح اینکه، رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی است بدون آنکه مالک برای دریافت این درآمد کمکی به تولید اجتماعی کرده باشد به این معنا که کسب این حق نهادی تأثیری بر ظرفیت تولید اجتماعی ندارد. باید اذعان نمود که رانت درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی است که به لحاظ مفهومی امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را دارد و رانت جویی نیز عبارت است از جستجو برای دست یافتن به این درآمد مازاد (قاسمی، ۱۳۸۲، ۱۳۹). رانت نیز همانند سایر مصادیق فساد اقتصادی، مانعی برای تحقق عدالت در جامعه اسلامی است. تعبیر دیگری که می‌توان برای آن در نظر گرفت این است که رانت، باعث نابرابری، ظلم و ستم در حق سایر افراد جامعه شده و از جمله مصادیق عسر و حرج است که زندگی انسانی را با دشواری روبرو می‌سازد. در هر صورت، رانت‌خواری آثار مخرب اقتصادی و تبعیض‌های ناروا در پی دارد و موجب اتلاف وقت و بدبینی می‌شود. بین مردم فاصله می‌اندازد و مشکلات و تنش‌های سیاسی را تشدید می‌کند. یکی از عوامل رکود اقتصادی وجود این

در پی داشته باشد و حتی رفتارهای فردی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تباهی می‌کشاند.

۷. تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که به انحاء مختلف در نگارش مقاله حاضر تلاش کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

توان و شرایط برابری برخوردار نباشند، سختی و دشواری را احساس کرده و با آن مواجه می‌شوند که این به معنای همان چیزی است که قاعده نفی عسر و حرج در عرصه اقتصادی نمی‌پذیرد. قاعده نفی عسر و حرج جنبه ایجابی نیز دارد. بدین معنا که تلاش حکومت و نظام سیاسی برای فراهم کردن شرایط برابر، عادلانه و تأمین رفاه افراد جامعه بخش مهمی از راهکارهایی است که به برداشتن تنگناها می‌انجامد. هنگامی که رفاه در ابعاد مختلف آموزشی، مسکن، امنیت فردی و اجتماعی، بیمه درمان و... در جامعه اسلامی وجود داشته باشد، دشواری‌ها و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی نیز به حداقل می‌رسد. با توجه به اینکه موضوعات اقتصادی ارتباط وثیقی با موضوعات اجتماعی دارند، وجود رفاه در جامعه تا حدود زیادی می‌تواند باعث کاهش آسیب‌ها و جرایم اجتماعی گردد که خود به معنای برداشته شدن سختی‌ها از زندگی افراد است. بهره‌مندی از شغل مناسب و درآمد کافی نیز بخش مهم دیگری از کاربست ایجابی قاعده نفی عسر و حرج است که می‌تواند موانع و دشواری را از زندگی برداشته و باعث آسان شدن زندگی برای افراد گردد. بر همین اساس است که بر مبنای قاعده فقهی نفی عسر و حرج، اعمال مذمومی مانند اختلاس، احتکار، کسب مال از راه‌های نامشروع نظیر ربا و... هرگز مورد پذیرش نیست. زیرا تکاثر ثروت در نزد عده‌ای خاص به معنای تحمیل شرایط دشوار بر سایر اقشار جامعه اسلامی است. این وضعیت دشوار اقتصادی در نهایت می‌تواند آثار و پیامدهای سوء اجتماعی نیز

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی تاریخ، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۳۶۴.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- اردبیلی، احمد، زبدۃ البیان فی أحكام القرآن، چاپ اول، تهران، مکتبۃ المرتضویه، ۱۴۰۵.
- ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۳.
- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان، ۱۳۸۲.
- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲.
- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، بیتا، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، نشر داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- قاسمی، علی اصغر، «ویژگی‌ها و پیامدهای ساختار رانتی در ایران»، مجله فرهنگ و اندیشه، شماره یازدهم، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
- کوشا، جعفر، تقریرات جزای اختصاصی تطبیقی (شانتاز - زورگیری)، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۶.
- لانگست، پیتر، ترجمه امیر حسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ نظر، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد دوم، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ترجمه محمد جواد نوری همدانی، قم، انتشارات امام علی بن علی طالب (ع)، ۱۳۹۴.
- منصور آبادی، عباس، «اختلاس شایع‌ترین جرم مالی»، مجله حقوق و اجتماع، شماره دوازدهم، ۱۳۹۳.
- نجفی، محمدحسین، جواهرالکلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹.

Economic dimensions of the rule of negation of hardship in Islamic jurisprudence

Mohammad Masoudinia^{1*}, Yaghoub Alizadeh²

¹. Assistant Professor, Faculty Member, Department of Law, Payameh Noor University, Iran.

². Assistant Professor, Faculty Member, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Payameh Noor University, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 19-30

Article history:

Received: 30 Mar 2021

Edition: 24 May 2021

Accepted: 24 Jul 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Economics, Negation of Hardship, Economic Jurisprudence, Islamic Society

ABSTRACT

Background and Aim: The rules of jurisprudence in Islam are always related to the practical areas of human life. Therefore, the jurisprudential rule of negation of hardship is one of the important jurisprudential rules that the present study seeks to examine its economic dimensions.

Materials and Methods: The present research is of theoretical type, the research method is descriptive-analytical and the collection of documents has been done by filing method.

Ethical considerations: The present study is based on ethical principles in presenting materials, scientific and ethical collection of articles, books and documents and non-bias in expressing views.

Results: The negation of hardship in the economic dimension seeks to promote both ease and convenience in the economic life of Muslims and to provide conditions for the facilitation of life, as well as the obstacles and challenges to the advancement of economic life. Eliminate. Therefore, the economic dimension is the rule of negation of the difficulty of removing economic barriers such as: hoarding, embezzlement, corruption, rent and economic inequality.

Conclusion: The application of the jurisprudential rule is the negation of the difficulty of regulating anti-corruption policies. In this sense, people who cause difficulties in people's lives through embezzlement, hoarding, illegal acquisition of property, theft, proliferation of wealth through rent, usury, etc., will be subject to judicial punishment.

Corresponding Author:
Mohammad Masoudinia

Address:
Department of Law, Payameh Noor University, Tabriz, Iran.

Orchid Code:
0000-0002-0225-9409

Tel:
09141147266

Email:
masoudinia@pnu.ac.ir

Cite this article as:

Masoudinia M, Alizadeh Y. Economic dimensions of the rule of negation of hardship in Islamic jurisprudence. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(3): 19-30.